

سیاستمداران ایران

در اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا

(بخش پنجم)

۶۹- اسفندیاری، سرهنگ عباسقلی

سرهنگ عباسقلی اسفندیاری تقریباً به سال ۱۸۹۷ - ۱۲۷۶ خ. تولد یافت، سومین پسر حسن اسفندیاری است. فارغ التحصیل از دانشگاه (سن سیر) فرانسه بود. سپس بهنگام جنگ به ارتش فرانسه پیوسته است. در جنگ فرانسه با آلمانها زخمی شد. او درجه سروان در ارتش داشت و از سوی مقامات فرانسه به دریافت نشانهای (لژیون دونور، کروادوگر) نایل آمد. در سال ۱۹۱۹ به ایران بازگشت با درجه همردیف سرگردی در سازمان ژاندارمری به خدمت مشغول شد.

اسفندیاری در سال ۱۹۳۱ با دختر فرمانفرما ازدواج کرد، مأموریت در هیأت (هارتد سیتروئن) را بعهده گرفت.

در ۱۹۳۲ رئیس اداره چهارم ستاد ارتش شد.

۷۰- عبدالحسین اسفندیاری (صدیق الملک)

عبدالحسین اسفندیاری صدیق الملک تقریباً به سال ۱۸۹۵ / ۱۲۷۴ خ. در تهران دیده به جهان گشود. وی در تهران تحصیل کرده است. در سال ۱۹۱۷ وارد خدمت در وزارت خارجه شد. به سال ۱۹۲۹ دبیر اول سفارت ایران در بروکسل گردید. در سال ۱۹۳۱ به تهران فرا خوانده قنصل ایران در کابل و در سالهای ۱۹۳۶ - ۱۹۳۴ قنصل کراچی گردید. از خویشاوندان حاجی محتشم السلطنه (حسن اسفندیاری) است.

نسبتاً یک مرد کند ذهن بی مزه‌ای است. به جهت همین خصوصیات از قنصلگری کراچی به سال ۱۹۳۶ به تهران فراخوانده شد.

۷۱- یمین اسفندیاری، اسدالله (یمین الملک)

اسدالله یمین اسفندیاری (یمین الملک) پسر یمین الملک و نواده محمد اسفندیاری است. تقریباً به سال ۱۸۸۵ (۱۲۶۴ خ.) در تهران تولد یافت. وی تحصیل کرده تغلیس است. در سال ۱۹۰۱ وارد خدمت وزارت خارجه شد، در سال ۱۹۰۸ رئیس اداره محاکمات وزارت خارجه، در سال ۱۹۱۷ کارگزار در اصفهان گردید، در سالهای ۱۹۲۳ - ۱۹۲۱ حکمران بنادر خلیج فارس و در سالهای ۱۹۳۲ - ۱۹۳۰ به حکمرانی مازندران رسید، سپس به جهت ابهاماتی از این پست احضار شد.

وی مردی خشن و کند ذهن است، دارای اندیشه‌های ترقیخواهی می‌باشد. زن اسدالله اسفندیاری از نخستین بانوانیست که حجاب را از خود در سال ۱۹۲۵ دور کرد.

۷۲- اسفندیاری، فتح الله، نوری

فتح الله نوری اسفندیاری پسر حاج حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه) است که تقریباً سال ۱۸۹۵ (۱۲۷۴ خ.) دیده به جهان گشود. وی تحصیل کرده سویس و فرانسه است، به سال ۲۴ - ۱۸۱۴ دبیر دوم سفارت ایران در لندن و در سال ۱۹۲۵ عهده‌دار معاون ریاست بخش انگلیس در وزارت خارجه و سپس در سالهای ۲۹ - ۱۹۲۶ دبیر سفارت ایران در واشنگتن می‌شود، در سالهای ۳۰ - ۱۹۲۹ کنسول ایران در پاریس و در سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۰ کنسول ایران و سپس کاردار سفارت در لندن در همین مدت عهده‌دار نمایندگی ایران می‌گردد، در سال ۱۹۳۲ به ریاست بخش اقتصاد وزارت خارجه گمارده می‌شود، از مارس تا دسامبر ۱۹۳۳ دگر بار کاردار سفارت در لندن و در سال بعد رئیس اداره قراردادهای و همچنین رئیس امور گذرنامه می‌شود و در پایان سال ۱۹۳۵ وی بمدت سه ماه عهده‌دار یک هیأت برای بغداد بمنظور مذاکره در پیرامون مسایل مرزی شد و کمتر به موفقیت دست یافت. در سال بعد از ماه مه رئیس پروتکل شد.

فتح‌الله نوری اسفندیاری با یک دختر فرانسوی ازدواج کرده است، به زبانهای فرانسه انگلیسی آشناست. مردی باهوش و سودمند است. وی مرد باشکوهی در برخورد سیاسی است. او سخن آرائی را از پدرش به ارث نبرده است و همین شیوه او موجب دلشکستگی و دلسردی از کار گردید.

۷۳- اسفندیاری، حسن (حاج محتشم السلطنه)

حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) تقریباً به سال ۱۸۶۲/۱۲۴۱ خ. متولد شد، وارد خدمات وزارت خارجه گردید. بعد از مدت کوتاهی مأموریت در سفارت برلن بعنوان دبیر قنصلگری بمبئی در سال ۱۹۰۵ راهی هندوستان شد. در سال ۱۹۰۵ همراه مظفردالدینشاه از اروپا دیدن کرد. بعد معاون وزارت کشور گردید. در سال ۱۹۰۶ به وزارت مختار ایران در لندن شده. ولی موفقیتی در این مأموریت بدست نیاورد.

در سال ۱۹۱۰ وزیر عدلیه، از ژانویه تا ژوئیه ۱۹۱۱ وزیر خارجه، در سال ۱۲- ۱۹۱۱ وزیر مالیه و در آگوست ۱۹۱۴ تا مارس ۱۹۱۵ دگربار وزیر مالیه شد.

در آوریل ۱۹۱۵ تا دسامبر ۱۹۱۵ به مقام وزارت خارجه و از ژوئن ۱۹۱۷ تا سپتامبر به وزارت مالیه و سپس به والیگری آذربایجان رسید.

در سال ۱۹۱۹ به جهت دسیسه علیه دولت وثوق‌الدوله تبعید شد؛ در ژوئیه ۱۹۲۰ اجازه بازگشت به تهران را یافت. از فوریه تا مارس ۱۹۲۱ وزیر خارجه و سپس در ژوئن همان سال تا ژوئیه ۱۹۲۲ وزیر معارف و در ژوئن ۱۹۲۲ تا ژوئن ۱۹۲۳ وزیر مالیه و دگربار از سپتامبر ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۷ بعلت گرفتن پول از آلمانها در جنگ جهانی راه خصومت با متفقین را پیش گرفت. ولی این خودفروشی مانع آن نگردید روسها را نیز سرکیسه کند. نادرستی و دسیسه بازی او در همین موارد بارها تکرار شده است.

در پست مالیه به سال ۱۹۱۷ وی غلات انبار شده را فروخت تا دستمزد عقب افتاده کارکنان دولت را بپردازد و از این جهت مورد سؤال قرار گرفت؛ چه این اقدام محتشم السلطنه موجب قحطی و مرگ و میر در تهران به سال ۱۹۱۷ شد.

در سال ۱۹۳۰ به نمایندگی دوره ۸ مجلس برگزیده شد. چشمان وی کم سو در شرف نابینایی است. محتشم السلطنه یک سخنگوی برجسته مجلس است. کسی که همراه دیگران کوشش به پایان دادن قرارداد نفت ایران و انگلیس به سال ۱۹۳۲ کرد.

محتشم السلطنه مرد جالب و خوش معاشرت است، در افکار خود دارای احترام و اهمیت است.

او به صنعت ابریشم در گیلان زیاد علاقمند است و دارای قرارداد صدور ابریشم به خارج است. پدر محتشم السلطنه فتح‌الله خان نوری اسفندیاری است که دو بار کاردار سفارت ایران در لندن شد.

۱- پدر حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه)، محمد نوری اسفندیاری (صدیق الملک) است، الیگارش، خاندانهای حکومتگر ایران جلد ۲ خاندان اسفندیاری

محتشم‌السلطنه قدری به زبان فرانسه آشناست و از طرفداران برجسته شرکت ایران در جامعه ملل می‌باشد.
بعد از سقوط عدل‌الملک وی ریاست مجلس شورای ملی ایران را عهده‌دار شد.

۷۴- اسفندیاری ، محمد تقی (منتخب‌الملک)

محمد تقی اسفندیاری (منتخب‌الملک) تقریباً به سال ۱۸۷۸/۱۲۵۷ خ. در تهران پا به گیتی نهاد. وی خویش‌حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه) است. او خدمات دولتی خود را در وزارت خارجه ایران آغاز کرد. تقریباً همه عمر در مأموریت‌های سیاسی در خارج کشور بوده است.

در سالهای ۱۳۲۹ - ۱۹۱۹ رئیس بخش انگلیس وزارت خارجه می‌بود و بعد مدیر کل وزارتخانه شد. در سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۳۰ معاون وزارت داخله، در سالهای ۱۹۳۵ - ۱۹۳۲ سفیر ایران در کابل می‌شود. در راستی و درستی نامدار است. همه پرسشها در باره او از نقاط مثبت او حکایت می‌کند. نقطه ضعف او احتیاط اوست. چند کلمه فرانسه بلد است.

۷۵- اسفندیاری ، موسی نوری (موفق‌السلطنه)

موسی نوری اسفندیاری (موفق‌السلطنه) برادر اسدالله یمین اسفندیاری در ۱۸۹۴ - ۱۲۷۳ خ. در تهران تولد می‌یابد. تحصیلات خود را در ایران آغاز و در اروپا انجام می‌دهد.

در سال ۱۹۱۶ وارد خدمات دولتی در وزارت خارجه شد. مدتی دبیر سفارت ایران در رم در سال ۱۹۲۰ رئیس بخش اقتصاد وزارت خارجه می‌گردد. در ۱۹۳۲ به ریاست بخش اتحادیه ملل می‌رسد. در سال ۱۹۳۳ رایزن و سپس کاردار سفارت ایران در پاریس و در دسامبر همان سال کاردار سفارت ایران در مسکو می‌شود. اندکی بعد به آنکارا منتقل و کاردار سفارت ایران می‌گردد. موسی نوری اسفندیاری به زبانهای فرانسه و ایتالیایی حرف می‌زند. او مرد جوان دلپذیری است. او سالهاست زناشویی کرده است. پسری دارد که قهرمان ورزش تنیس روی چمن است.

۷۶- فهیمی ، خلیل (فهیم الملک)

خلیل فهیمی (فهیم الملک) تقریباً در سال ۱۸۸۵/۱۲۶۴ خ. متولد شد. از خویشاوندان خاندان مخبرالدوله (هدایت) است. از آغاز داخل خدمات وزارت امور خارجه می‌شود. پستهای گوناگونی را بعهده داشت. در ژوئن ۱۹۲۲ وزیر مالیه. در اکتبر ۱۹۲۵ حکمران کرمان شد. در پست اخیر موفقیتی بدست نیاورد. در شرایط گوناگون و برای چندمین دوره نماینده مجلس از قوچان شد. در مجلس گزارشگر کمیسیون مالی بوده است. بهنگام الغاء قرارداد کمپانی نفت در مجلس از این نظر پشتیبانی می‌کند.

در فوریه ۱۹۳۴ والی آذربایجان و در مه ۱۹۳۶ سفیر ایران در آنکارا و بهنگام تشکیل جامعه ملل در دسامبر ۱۹۳۳ عضو دائمی از سوی ایران در آن جامعه شد. فهیمی به زبان فرانسه حرف می‌زند، در معاشرت مردی دلپذیر و منطقی است، ولی شخصیت سیاسی موثری نیست.

۷۷- فرمانفرمایان ، عبدالحسین (فرمانفرما)

عبدالحسین فرمانفرمایان (فرمانفرما) دارای نشان خدمت (G.C.M.G) تقریباً به سال ۱۸۵۷/۱۲۳۶ خ. پا به جهان گذاشت. نواده عباس میرزا پسر فتحعلیشاه است. با خواهر مظفردینشاه ازدواج کرده ولی دارای زنهای گوناگون دیگری می‌باشد. بعنوان یک افسر به تحصیلات خود ادامه میدهد و دارای مقام آموزشی در سپاهیان اتریش بوده است.

در سال ۱۸۸۰ تاریخ زندگی فرمانفرما سرشار از ماجراها و رویدادهای خوب و هیجان انگیز است. او دارای پست حکمرانی در سرزمینهای گسترده ایران و وزارت بوده است.

مدتی در دسامبر ۱۹۱۵ بمدت کوتاه رئیس‌الوزراء شد و در مدت جنگ جهانی اول روابط خوبی با ما داشت. در حکمرانی فارس ۱۹۲۰ - ۱۹۱۶ با فعالیت شدید کمک زیادی به منافع بریتانیا کرد.

در کودتای ۱۹۱۲ سید ضیاءالدین طباطبایی به همراه عده‌ای از شخصیتهای سیاسی بازداشت شد و از آن به بعد مصدر خدمات مهمی نشده است.

نفوذ سیاسی او و فرزندانش قابل توجه است. ولی هوادار رژیم پهلوی بود. پسران او فیروز میرزا (نصرت‌الدوله) صاحب نشان G.C.M.G و محمد حسین میرزا و عباس میرزا

(سالار لشکر) اند که همه‌شان اندیشه‌های روشنی ندارند.
اگرچه امروز تقریباً نابیناست ولی دارای روش خوبی است. فرمانفرما مردی زیاد باهوش نیست. او همیشه یک قدرت مزاحم سیاسی در ایران است و بعنوان شخصیت برجسته خاندان قاجار نقش مهمی در سیاست اعمال می‌کند و امروز سالمندترین افراد خاندانش است.

زنجیر یزدی

یکی از صادرات قدیم اردکان یزد زنجیر بود که دیگر در اردکان نمی‌سازند. سابقاً زنجیرهایی می‌ساختند که پنداری رشته نخ است و بقدری آن را ظریف می‌ساختند که وقتی به دست می‌گرفتند فکر می‌کردند از تار ابریشم بافته شده ولی دانه‌های آن آهنین بود که جزء به جزء از حلقه‌های کوچک آهنی ساخته می‌شد و بظاهر چون بافته به نظر می‌رسید. اگر چه از آن زنجیرها در یزد هم می‌ساختند ولی استادکاران اردکانی بودند. بهترین زنجیری که در اردکان ساخته می‌شد به زنجیر مندگی (یعنی محمدی) معروف بود.

این زنجیرهای ظریف در جنگ محمدتقی‌خان یزدی با لطفعلی‌خان زند که در حوالی اردکان رخ داد بکار رفت بدین شرح:

هنگامی که لطفعلی‌خان زند مورد تعقیب آقامحمدخان قاجار از شهری به شهری دیگر می‌گریخت از طبرس به صوب یزد حرکت کرد. حاج‌ابراهیم کلانتر شیرازی (جد قومها) نامه‌ای به محمدتقی‌خان یزدی نوشت که از کمک به لطفعلی‌خان زند خودداری کند. چون لطفعلی‌خان به حوالی اردکان رسید سواران محمدتقی‌خان یزدی از یزد بیرون آمدند و در آنجا بین آنها جنگ در گرفت ولی شهربار زند مشاهده کرد که اسبهایشان از دست به روی زمین می‌افتند، بدون اینکه سر نیزه‌ای در شکم یا ران آنها فرو رفته باشد. تا اینکه چشمش به زنجیری افتاد که در دست چپ سواران محمدتقی‌خان بود و با یک حرکت به دور دست اسبهای لطفعلی‌خان می‌پیچید و با پس کشیدن دست اسبهای لطفعلی‌خان از دست بر روی زمین می‌افتادند و باعث شکست لطفعلی‌خان زند از محمدتقی‌خان یزدی شد.